بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc449523597)

[راه جمع عام با مخصص 2](#_Toc449523598)

[معنای مجازیت در نظر امام(ره) 3](#_Toc449523599)

[نظر مختار 3](#_Toc449523600)

بسم الله الرحمن الرحيم

## موضوع: اصول / عام و خاص / عام بعد از تخصیص

# **اشاره**

بحث ما در تمسک به عام بعد از تخصیص در سایر مواردی بود که تخصیص ندارد و اساس این بحث هم برمی‌گشت به اینکه عام بعد از تخصیص؛ مجاز می‌شود یا مجاز نمی‌شود، اگر مجاز بشود دیگر نمی‌شود به عام تمسک کرد و اگر حقیقت باشد می‌شود به عام تمسک کرد.

مشکلی که در اینجا وجود دارد این است که: با تخصیص، عام مجاز می‌شود و برای حلّ این مشکل، راه‌هایی پیموده شده و مهم‌ترین راه‌حلّی که برای مشکل مجازیت ارائه‌شده، راه‌حلّ صاحب کفایه است که مبتنی بر یک نظریه کلی در اصول است و آن تفکیک اراده استعمالی از اراده جدّیه است.

در خیلی از جاهایی که نسل معاصر بعد از شیخ انصاری تلقی مجاز می‌کردند، فرمول عوض‌شده و می‌گویند این مجاز نیست، بلکه داعی تفاوت دارد، از قبیل معانی امرونهی و ...، نظریه کلانی است که در الفاظ ارائه‌شده؛ مبنی بر تفکیک اراده استعمالیه و جدّیه و تفکیک این دو از وضع دلالت تصوریه که سه مرحلّه‌ای است و تفکیک داعی از مستعمل فیه.

این نظریه بسیار مهم در یک یا دو قرن اخیر با این مشکل مواجه شد که: شما برای حلّ مسئله دو راه دارید و این دو راه در عرض هم هستند ولی شما یکی از دو راه را به دیگری ترجیح می‌دهید.

### راه جمع عام با مخصص

در مثال «اکرم کل عالم» که بعدش گفته است «لا تکرم العالم الفاسق»، به دو صورت می‌شود این دو را جمع کرد؛

 1ـ بگوییم اکرم کل عالم یعنی اکرم اکثر علماء که مجاز است.

 2ـ اکرم کل عالم یعنی کل عالم، به نحو اراده استعمالی، منتهی در تطابقش بااراده جدّیه می‌گوییم؛ اصالة التطابق استثناء خورده؛ به این صورت می‌شود که «اکرم کل عالم» اصالة التطابق هست ولی عالم فاسق از این جداشده و بیرون رفته.

در اکرم کل عالم نمی‌شود گفت که: هم اصالة الحقیقه در «کل عالم» هست و هم «کل عالم» اصل تطابق استعمالی بااراده جدّیه است، این دو اصل در کنار و عرض هم قرار نمی‌گیرند.

برای حلّ مشکلی که در مقابل راه‌حلّ صاحب کفایه آمده، مسیرها و مسالکی طی شده است، مسلک اول در کلام صاحب حاشیه و مرحوم کمپانی و اصفهانی بود که بیان کردیم و نقد کردیم.

## معنای مجازیت در نظر امام(ره)

مسلک دوم، مسلک حضرت امام که ایشان مجاز را تصرف در لفظ نمی‌دانند، بلکه تصرف در معنا می‌دانند. امام می‌فرمایند: اینجا مجاز نیست، مبنای حضرت امام در مجاز این هست که مجاز استعمال لفظ در غیر موضوع له نیست، بلکه لفظ در وُضع له استعمال شده، مجاز این هست که: ادعا می‌کند رجل شجاع؛ همان حیوان مفترس است، فرد ادعایی درست می‌کند.

 همین الآن شما گفتید: «رایت اسداً یرمی»، الآن هم اسد در حیوان مفترس استعمال شده است، منتهی ادعا کرده که این انسان شجاع، فرد ادعای حیوان مفترس است، تصرف در معنا انجام‌شده است، فرد ادعایی درست کردن یک عنایتی می‌خواهد، یک مؤنه زائده‌ای در کلام می‌خواهد، ایشان می‌فرمایند به خاطر همین، دیگر مجاز نیست، برای اینکه در یک خطاب قانونی و حکمی و حقوقی، مولا بگوید: «اکرم کل عالم»، که در همان «کل العلماء» استعمال شده ولی ادعا بکند که این بعض العلماء یا اکثر العلماء همان کل العلماء هست.

مولا زمانی که خطاب قانونی یا حقوقی دارد، دیگر نکات ظریف معانی یا بیانی در این کلام بیان نمی‌کند. بعضی‌اوقات که مولا نکاتی ظریف با عنایات زائده ادبی کلامی را بیان می‌کند که در اینجا مجاز صحیح است.

پس درنتیجه بیان حضرت امام به این صورت می‌شود که: مجاز، استعمال لفظ در غیر ما وضع له نیست، بلکه در ما وضع له است، منتها مجاز، عبارت است از تصرف در معنا و توسعه و توضیق در معنا نه در لفظ.

نظر دیگر می‌گوید: مجاز یعنی استعمال لفظ در غیر ما وضع له که البته همراه با یک علاقه‌ای است.

## نظر مختار

در این بحث ما قائل به‌تفصیل هستیم، ما می‌گوییم؛ هر دو نوع مجاز داریم.

در بعضی موارد، لفظ ابتدا در معنایی به‌کاررفته و بعد به یک مناسبتی در معنای دیگر به‌کار می‌رود و به این صورت مجاز می‌شود.

 همیشه در مجاز و معنای حقیقی علاقه‌ای است، گاهی ‌اوقات آن علاقه هم از ذهن‌ها بیرون می‌رود و این معنای مجازی تبدیل به معنای حقیقی می‌شود.